

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی هشتم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

۱- آزمون‌های نوبت اول: آزمون‌های شماره ۱ تا ۸ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده: آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۱۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا ۴ آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های شما را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

۲- آزمون‌های نوبت دوم: آزمون‌های شماره ۹ تا ۲۴ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۶ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط با آن درس را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۱۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۸ آزمون کامل را می‌بینید.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده: آزمون‌های شماره ۱۷ تا ۲۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۸ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

۳- پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها: در پاسخ تشریحی آزمون‌ها، همه آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴- درس‌نامه کامل شب امتحانی: این قسمت، برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت، همه آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی هشتم نیاز دارید، تنها در ۱۶ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های ۱ تا ۸ آزمون‌های ۹ تا ۱۶ هم استفاده کنید!

فهرست

شماره صفحات

نوبت	آزمون	پاسخ‌نامه
آزمون شماره ۱	اول	۳
آزمون شماره ۲	اول	۵
آزمون شماره ۳	اول	۷
آزمون شماره ۴	اول	۹
آزمون شماره ۵	اول	۱۱
آزمون شماره ۶	اول	۱۲
آزمون شماره ۷	اول	۱۴
آزمون شماره ۸	اول	۱۵
آزمون شماره ۹	دوم	۱۶
آزمون شماره ۱۰	دوم	۱۸
آزمون شماره ۱۱	دوم	۲۰
آزمون شماره ۱۲	دوم	۲۲
آزمون شماره ۱۳	دوم	۲۴
آزمون شماره ۱۴	دوم	۲۶
آزمون شماره ۱۵	دوم	۲۸
آزمون شماره ۱۶	دوم	۳۰
آزمون شماره ۱۷	دوم	۳۲
آزمون شماره ۱۸	دوم	۳۳
آزمون شماره ۱۹	دوم	۳۴
آزمون شماره ۲۰	دوم	۳۵
آزمون شماره ۲۱	دوم	۳۶
آزمون شماره ۲۲	دوم	۳۷
آزمون شماره ۲۳	دوم	۳۸
آزمون شماره ۲۴	دوم	۳۹

۴۷

درس‌نامه توپ برای شب امتحان

پارم‌بندی درس فارسی هشتم

موضوع	نوبت اول	نوبت دوم	
		نیمه اول کتاب	نیمه دوم کتاب
معنی شعر و نثر	۳ نمره	۱ نمره	۲ نمره
شناخت و معنی واژه	۱ نمره	۵/۰ نمره	۱ نمره
درک متن	۲ نمره	۵/۰ نمره	۱ نمره
دانش‌های زبانی و ادبی	۲ نمره	۵/۰ نمره	۱/۵ نمره
خودارزیابی	۱/۵ نمره	۵/۰ نمره	۱ نمره
تاریخ ادبیات	۵/۰	-	۵/۰ نمره
جمع	۱۰ نمره		۱۰ نمره

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۴۰ دقیقه	نوبت اول	فارسی
ردیف	آزمون شماره ۱			پایه هشتم متوسطه اول
۱	<p>ستایش</p> <p>معنی بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.</p> <p>«به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر»</p>			۱
۰/۲۵	<p>درس اول</p> <p>معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.</p> <p>الف) سیل و طوفان نعره توفنده‌اش</p> <p>ب) نیت من در نماز و در دعا</p>			۲
۰/۲۵	<p>درس دوم</p> <p>معنی عبارت زیر را بنویسید.</p> <p>خفاش شب را چونان چراغی برمی‌گزیند تا در پرتو تاریکی آن، روزی خود را جست‌وجو کند.</p>			۳
۰/۲۵	<p>در جمله‌های زیر با توجه به مفهوم جمله، واژه مناسب را انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.</p> <p>الف) به مورچه و کوچکی آن بنگر. (جُثّه، جُسه)</p> <p>ب) چون برآید این همه گل‌های کامکار؟ (نقض، نغز)</p>			۴
۰/۲۵	<p>درس سوم</p> <p>واژه‌های زیر را با نشانه «ان» جمع بنویسید.</p> <p>زنده، راننده</p>			۵
۰/۵	<p>کتاب «فرزند ایران» اثر کیست؟</p>			۶
۰/۵	<p>درس چهارم</p> <p>علت اصلی بحران‌های زندگی چیست؟</p>			۷
۰/۵	<p>نهاد و مفعول را در جمله زیر بیابید و بنویسید.</p> <p>ما خود را با لباس مناسب آراسته می‌کنیم.</p>			۸
۰/۵	<p>درس ششم</p> <p>با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.</p> <p>«هر شب که روی به جامه خواب کن نیک تأمل اندر این باب»</p> <p>«کان روز به علم تو چه افزود وز کرده خود چه بُرده‌ای سود»</p> <p>«روزی که در آن نکرده‌ای کار آن روز ز عمر خویش شمار»</p> <p>الف) در بیت اول «تأمل کردن» به چه معناست؟</p> <p>ب) منظور از «روز» را در بیت دوم و سوم با هم مقایسه کنید و بنویسید.</p> <p>پ) به نظر شما منظور از «کار» در بیت سوم چگونه کاری است؟</p> <p>ت) چرا شاعر روزی را که در آن کاری نکرده باشیم، جزء عمر نمی‌داند؟</p> <p>ث) اجزای جمله را در بیت اول مرتب کنید و در جایگاه خود بنویسید.</p>			۹
۰/۲۵				
۰/۵				
۰/۲۵				
۰/۵				
۰/۵				



شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۴۰ دقیقه	نوبت اول	فارسی
نمره	پایه هشتم متوسطه اول		آزمون شماره ۱	
۰/۵	<p>درس هفتم</p> <p>دو درس از درس‌هایی را که بهلول به جنید آموخت، نام ببرید.</p>			۱۰
۱	<p>عبارت زیر را به نثر روان امروزی بازگردانی کنید.</p> <p>«و در آداب خواب، اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد.»</p> <p>درس هشتم</p>			۱۱
۰/۵	<p>معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.</p> <p>«ای فرازنده این چرخ بلند و ای نوازنده دل‌های نژند»</p>			۱۲
۰/۵	<p>در بیت زیر، آرایه «تشبیه» را پیدا کنید.</p> <p>«لنگ‌لنگان قدمی برمی‌داشت هر قدم دانه شگری می‌کاشت»</p>			۱۳
۱۰	جمع نمرات		موفق باشید	

شماره	فارسی	نوبت دوم	مدت آزمون: ۴۰ دقیقه	kheilisabz.com	شماره
ردیف	آزمون شماره ۱۷			پایه هشتم متوسطه اول	نمره
۱	الف) معنی شعر و نثر (۳ نمره) بیت‌ها و عبارت‌های زیر را به فارسی روان بنویسید. «خارکش پیری با دل‌ق درشت پشته‌ای خار همی‌برد به پشت»				۱
۲	البوم استعمال توتون و تنباکو، در حکم محاربه با امام زمان <small>عجل‌الله تعالی فرجه الشریف</small> است.				۱
۳	در راه طرّاری به وی باز خورد و آن زر به حیلت ببرد.				۱
۴	ب) شناخت و معنی واژه (۱/۵ نمره) معنی واژه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، بنویسید. ستایشی که بر زبان و خامه دشمن روان می‌شود.				۰/۲۵
۵	چون نپرسی کاین تماثیل از کجا آمد پدید؟				۰/۲۵
۶	آه ای پوپک مؤدب!				۰/۲۵
۷	گشت از کلک فدایی چو دلش دود بلند.				۰/۲۵
۸	ای وطن، ای دل مرا مأوا.				۰/۲۵
۹	مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی.				۰/۲۵
۱۰	ج) درک متن (۱/۵ نمره) منظور از مصرع دوم در بیت زیر چیست؟ «نوجوانی به جوانی مغرور رخس پندار همی‌راند ز دور»				۰/۵
۱۱	در عبارت «چند روز پس از آغاز آبله‌کوبی به امیر خبر دادند که مردم از روی جهل و نادانی و خرافات حاضر نیستند واکسینه شوند.» الف) معادل کلمه «آبله‌کوبی» را بنویسید. ب) واژه‌های مترادف را بیابید و بنویسید.				۰/۵ ۰/۵
۱۲	د) دانش‌های زبانی و ادبی (۲ نمره) در گروه‌های اسمی زیر، هسته و نوع وابسته را مشخص کنید.				۱/۵
۱۳	در مصرع اول بیت زیر چه آرایه‌ای به کار رفته است؟ آن را نشان دهید. «تشنه‌لب کشته شود در لب شط از چه گناه آن که سیراب کند در لب کوثر تشنه؟»				۰/۵
۱۴	ه) خودارزیابی (۱/۵ نمره) درک و دریافت خود را از مصرع «نام او نور و نشانش روشنی» بیان کنید.				۰/۵
۱۵	سؤال‌های قائم مقام فراهانی برای آزمایش فرزندانش، چه بود؟				۱
۱۶	و) تاریخ ادبیات (۰/۵ نمره) کدام‌یک از آثار زیر از وحشی بافقی نیست؟ □ (۱) فرهاد و شیرین □ (۲) ناظر و منظور □ (۳) لیلی و مجنون □ (۴) خلد برین				۰/۵
۱۰	جمع نمرات	موفق باشید			



- ۱- در درگاه پر از لطف و بزرگواری او همه قدرتمندان، بزرگی خود را کنار گذاشته و بنده او شده‌اند (به بزرگی و مهربانی‌اش اعتراف می‌کنند).
- ۲- الف) توفنده: پرخروش، خروشان، غوغاکننده
ب) نیت: قصد و آهنگ، عزم
- ۳- خفاش از تاریکی شب مثل یک چراغ استفاده می‌کند تا بتواند به کمک آن به شکار برود (بهتره بدونین که هشم ففاش تو تاریکی بهتر از روشنایی هی بینه، تاریکی بر اش مثل چراغ هی مونه!)
- ۴- الف) جُتّه (یعنی «هیكل» و املاي درست آن به همین شکل با «ث» است).
ب) نغز (نغز به معنی زیبا و خوب رو هیچ وقت با نقض به معنی باطل کردن اشتباه نگیرین!)
- ۵- زندگان، رانندگان
(یاد توته تو در سنامه گفتیم، کلمه‌هایی که آفرشون «ه» باشه و مثل «ی» تلفظ بشه (مثل: راننده)، آگه به «ارن» یا «ی» اضافه بشن، به جای «ه» از حرف میانجی «گ» استفاده می‌کنیم؟)
- ۶- میر جلال‌الدین کزازی
- ۷- ندانستن اصول و روش‌های زندگی و کسب‌کردن مهارت‌های آن
- ۸- نهاد (چه کسی؟) = ما / مفعول (چه کسی را؟) / چه چیزی را؟ = خود
- ۹- الف) فکر کردن، اندیشیدن
ب) روز در بیت دوم تمام روزهای عمر انسان است، اما در بیت سوم روزی است که در آن کار مفید و ارزشمندی انجام نداده باشیم.
پ) کار مفید، کار نیک
ت) زیرا ارزش عمر ما به کارهایی است که در آن انجام می‌دهیم. اگر کاری که انجام می‌دهیم مفید و ارزشمند نباشد، پس عمر خود را بیهوده تلف کرده‌ایم.
ث) هر شب که به جامه خواب می‌روی، اندر این باب نیک تأمل کن.
- ۱۰- ۱) در خوردن، اصل حلال بودن غذا است نه آداب غذا خوردن.
۲) در سخن گفتن، مهم رضای خدا و نیت پاک و درست است.
۳) در آداب خواب اصل این است که با ذکر خدا و دلی خالی از بغض و کینه به خواب بروی. (ذکر دو نمونه کافی است).
- ۱۱- در آداب خوابیدن مهم این است که در دلت بغض و کینه و حسادت نسبت به مسلمانان نباشد.
- ۱۲- فرازنده: افزاینده، بالا برنده، برپاکننده - نژند: اندوهگین، غمناک، سرد و بی‌روح
- ۱۳- «دانه شکر» اضافه تشبیهی است.
(شکر به دانه تشبیه شده)



آزمون شماره ۱۷ (نوبت دوم)

- ۱- پیرمرد خارکشی که لباس زبری پوشیده بود، کوله‌باری از خار، پشت خود گذاشته بود و می‌برد.
- ۲- امروزه و از این لحظه به بعد استفاده از توتون و تنباکو، مثل جنگیدن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم حرام و گناه است.
- ۳- در راه، دزدی به او رسید و با حقه‌بازی طلاهایش را دزدید.
- ۴- خامه: قلم
- ۵- تماثیل: جمع تمثال، شکل‌ها و تصویرها
- ۶- پوپک: هُدهُد، شانه‌به‌سر
- ۷- کلک: قلم
- ۸- مأوا: پناهگاه، جای امن، جایگاه
- ۹- حرمت: احترام، عزت
- ۱۰- حدس و گمان خودش را بیان کرد. (حدس و گمان (پندار) را به اسبی تشبیه کرده که سوارش شده و آن را می‌راند و می‌آید.)
- ۱۱- الف) واکسیناسیون ب) جهل و نادانی
- ۱۲-

نوع وابسته	هسته	گروه اسمی
پسین (صفت بیانی)	آسمان	آسمان پرستاره
پیشین (صفت پرسشی / مبهم)	درخت	چند درخت
پیشین (صفت اشاره)	روز	آن روز

- ۱۳- جناس: لب (عضو بدن) و «لب» در ترکیب لب شط (کنار رود)
- ۱۴- یکی از نام‌های خداوند «نور» است و هر جا نشانی از روشنایی و پاکی باشد، نشان و اثر اوست.
- ۱۵- کاشف الکَل که بود؟  شعر «ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد ...» از کیست؟ 
- ۱۶- گزینه «۳» لیلی و مجنون (از نظامی است نه وحشی بافقی)

به درگاه لطف و بزرگیش بر / بزرگان نهاده بزرگی ز سر
همه بزرگان و قدرتمندان به بزرگی و لطف و مهربانی اش اعتراف می کنند،
بزرگی خود را کنار گذاشته و به بندگی او می پردازند.
جهان، متفق بر الهیتش / فرومانده از گنه ماهیتش
همه موجودات دنیا درباره مقام خداوندی او هم عقیده اند و از شناخت عمق و
حقیقت وجود او ناتوانند.

بشر، ماورای جلالش نیافت / بصر، منتهای جمالش نیافت
انسان نمی تواند بالاتر و برتر از شکوه و عظمت او، کسی را پیدا کند و چشم
انسان هم نمی تواند همه زیبایی او را ببیند و درک کند.
مفهوم عظمت و زیبایی خداوند غیر قابل دستیابی و درک است.

تأمل در آئینه دل کنی / صفایی به تدریج، حاصل کنی
اگر به دل پاک همچون آیینهات بیندیشی، کم کم دلت پاک و باصفا می شود.
محال است سعدی که راه صفا / توان رفت جز بر پی مصطفی
ای سعدی، برای طی کردن و پیمودن راه صفا و پاکی دل، چاره ای نداری، جز
این که از پیامبر ﷺ پیروی کنی.

حکایت

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ پُرد.»
مرد گفت: «به صاحبش بگو گوسفند را گرگ برد.»
غلام گفت: «به خدای چه بگویم!؟»
غلام گفت: «جواب خدا را چه بدهم؟»

واژه هایی که ارزش املائی دارند

طلعت - خطابش - پوزش پذیر - متفق - الهیت - کنه - ماهیت - ماورا - منتهای - بصر -
جمال - تأمل - صفا - محال - قصر - الماس - عاج - رعد - طنین - نعره توفنده - زینت

هم خانواده ها

زینت، تزیین، مُزین
متفق، اتفاق، موافق، توافق، توفیق
پرستار، پرستنده، پرستش
صفا، صاف، تصفیه
منتهای، نهایت، انتها
بصر، بصیرت

خودارزیابی

- ۱- شاعر در مصراع «این جا خانه خوب خداست» به چه نکته ای اشاره دارد؟
شاعر در این مصراع به مسجد اشاره می کند که خانه خداست و ساده و پاک است
و می توان در آن با خدا خلوت کرد و به راز و نیاز پرداخت.
- ۲- درک و دریافت خود را از مصراع «نام او نور و نشانش روشنی» بیان
کنید. نور نام خداست و سراسر وجود او روشنی و هدایت است. هر جا روشنایی،
پاکی و زیبایی دیدید، اثری از خدا پیدا می کنید.
- ۳- چه راه هایی برای شناخت خداوند هستی وجود دارد؟ یکی از بهترین
راه های شناخت خدا، تفکر و اندیشه درباره آفریده های اوست. اگر به موجوداتی
که خداوند آفریده دقت کنیم، نشانه های او را می یابیم.



پیش از این ها

شاید معنی این واژه ها را ندانی

پرستار: (در این درس) فرمانبردار و مطیع	محال: ناممکن، نشدنی
زینت ده: زینت گر، زینت دهنده، آرایش کننده	بر پی: به دنبال
متفق: هم فکر، هم رأی، هم داستان	خشت: آجر، آجر خام
الهیت: خدایی	طنین آهنگ: انعکاس صدا، پژواک
کنه: ذات، پایان و حقیقت چیزی	نعره: فریاد
ماهیت: حقیقت، چیستی، ذات	تیت: قصد و آهنگ، عزم
ماورا: پشت سر، آن سو، آن چه در	ریا: دورویی، نفاق
پشت چیزی باشد (این جا: برتر و بالاتر)	توفنده: پرخروش، خروشان، غوغا کننده
جلال: شکوه و عظمت، بزرگی	بوریا: حصیری که از نی می بافند.
بصر: بینایی، بینش، چشم	طلعت: درخشندگی
منتهای: آخر، نهایت، به پایان رساننده	کریم: بخشنده
جمال: زیبایی، نکویی	دیوان: کتاب شعر
تأمل: اندیشیدن، درنگ کردن	

معنی و مفهوم

ستایش

به نام خدایی که جان آفرید

به نام خداوند جان آفرین / حکیم سخن در زبان آفرین
به نام خدایی آغاز می کنم که جان و روح انسان را آفرید و توانایی سخن گفتن
با زبان را به انسان داد.

خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابش پوزش پذیر

خداوندی که نعمت می بخشد و یاری و کمک می کند، بخشنده ای که اشتباهات
را می بخشد و پوزش و عذرخواهی را می پذیرد.

پرستار امرش همه چیز و کس / بنی آدم و مرغ و مور و مگس

همه موجودات، از انسان و پرنده تا مورچه و مگس، از فرمان او اطاعت می کنند.
یکی را به سر، برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

خداوند روی سر یکی تاج خوشبختی می گذارد (او را به بزرگی و عزت می رساند)
و یکی را از تخت پادشاهی پایین می کشد و خوار می کند.

مفهوم عزت و سربلندی یا خواری و ذللی ما، همه از خداست.

گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

خداوند می تواند برای حضرت ابراهیم عليه السلام آتش را به گلستان تبدیل کند و
گروهی (فرعون و لشکریانش) را از رود نیل به آتش جهنم ببرد. اشاره است
به داستان گلستان شدن آتشی که نمرود برای سوزاندن حضرت ابراهیم برپا
کرده بود و داستان شکافتن رود نیل با عصای حضرت موسی و گذشتن قوم
بنی اسرائیل و غرق شدن فرعون و لشکریانش در آن.

برای بررسی ساختار هر اثر، می‌توانیم از این پرسش‌ها استفاده کنیم:

- ۱) متن اثر، به «نثر» است یا به «نظم»؟ (یعنی به شعر است یا خیر.)
- ۲) شیوه بیان نوشته، «زبانی» است یا «ادبی»؟ (یعنی منظور آن مستقیم بیان شده یا به صورت غیرمستقیم و با استفاده از تشبیه، توصیف و مانند این‌ها؟)
- ۳) واژه‌های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیرپاب؟

تاریخ ادبیات

سعدی: از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایران است. بوستان به شعر و گلستان به نثر همراه با شعر و دیوان اشعار از او بر جای مانده است. مجموعه آثار او «کلیات سعدی» نامیده می‌شود.

هاتف اصفهانی: سید احمد از شاعران دوره افشاریه و زندیه است. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد. «ترجیع‌بند» عرفانی وی نیز معروف است. **قیصر امین‌پور:** استاد دانشگاه و شاعر معاصر، وی از شاعران موفق پس از انقلاب به شمار می‌آید. از آثار او: در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان.

ابوالقاسم قشیری: یکی از عارفان معروف قرن پنجم هجری که کتاب «رساله قشیری» در شرح اصطلاحات عرفانی و معرفی مشایخ عرفانی از آثار اوست.

مستوره کردستانی: «ماه شرف خانم» فرزند ابوالحسن مستوره کردستانی، متولد ۱۲۲۰ قمری در سنندج، شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی شعر سروده است. او را نخستین زن تاریخ‌نویس کرد در ایران، شمرده‌اند. «دیوان شعر» و «تاریخ اردلان» از آثار اوست.

درس ۲

خوب جهان را ببین! صورتگر ماهر

شاید معنی این واژه‌ها را ندانی

حکیمانه: از روی حکمت و دانایی	جلوه: ظاهر، پیدایی
دیده: چشم	کامکار: کامروا، موفق و خوشبخت
چونان: مثل، چون	تمائیل: جمع تمثال، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و پیکرها
پرتو: روشنایی، اشعه، تابش	هجر: هجران، دوری
حدقه: مردمک چشم، کاسه چشم	کاین: که این
نژند: اندوهگین، غمناک، سرد و بی‌روح	صورت بَرَد: نقش بزند، نقاشی کند
نغز: زیبا، خوب و نیکو	صورتگر: نقاش
جَنّه: بدن، پیکر	راستی را: به راستی
زر: طلا	بهت: متحیر شدن، شگفتی
ناب: خالص، پاک	فراز: بالا
پندار: وهم، گمان، فکر	

معنی و مفهوم

صورتگر ماهر

راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار / از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار؟
به راستی هیچ‌کس نمی‌داند که در فصل بهار این همه زیبایی و نقش و نگار از کجا به وجود می‌آید.

عقل‌ها حیران شود کز خاک تاریک نژند / چون برآید این همه گل‌های نغز کامکار؟
عقل هم درمی‌ماند که چگونه از خاک تیره و بی‌روح، این گل‌های زیبا و شاداب می‌رویند.
چون نپرسی کاین تمائیل از کجا آمد پدید؟ / چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

چگونه نمی‌پرسی که این نقاشی‌های زیبای بهار از کجا پدید آمده‌اند و این تصویرها از کجا پیدا شده‌اند و چه کسی آن‌ها را به وجود آورده است؟
برق از شوق که می‌خندد بدین سان قاه‌قاه؟ / ابر از هجر که می‌گرید بدین سان زارزار؟
رعدوبرق آسمان از شوق دیدن چه کسی این‌طور بلند می‌خندد؟ ابر از دوری چه کسی این‌گونه زارزار گریه می‌کند؟

کیست آن صورتگر ماهر که بی تقلید غیر / این همه صورت بَرَد بر صفحه هستی به کار؟

آن نقاش ماهر که بدون تقلید از دیگران، این همه نقش و نگار بر صفحه جهان کشیده، کیست؟

واژه‌هایی که ارزش املائی دارند

نژند - حیران - هجر - صفحه هستی - کامکار - خالق - بی‌همتا - اسرار - حکیمانه - برمی‌گزیند - حدقه - حواس - دفع - متحد - کشتزار - جَنّه - عظمت - خلقت - طاووس - نهج‌البلاغه - نغز - تمائیل - ذره - ذرات - طراوت - ارمغان - قاه‌قاه - صورتگر - بی‌تقلید - غیر - بی‌حاصل - ظریف - سنجاقک - سیراب - توری - خزیدن - یکنواخت - حشره - بهت - حیرت - دلپذیر

خودارزیابی

- ۱- در بیت آخر شعر «صورتگر ماهر» به کدامیک از نام‌های خداوند اشاره شده است؟ مصور؛ یعنی صورتگر بودن (یعنی آفریننده و طراح کل هستی).
- ۲- چه شگفتی‌های دیگری از زندگی مورچه می‌دانید؟ تقسیم کار مورچه‌ها، توانایی‌شان در حمل کردن بارهای بسیار سنگین، خانه‌هایی که می‌سازند و...
- ۳- چرا خداوند در قرآن کریم انسان را به اندیشیدن در شگفتی‌های خلقت دعوت می‌کند؟ چون شگفتی‌های آفرینش نشانه قدرت خدا هستند و با اندیشیدن به آن‌ها، خدا را بهتر می‌شناسیم.

دانش‌های ادبی و زبانی

تشبیه

آرایه ادبی «تشبیه» برای توصیف بهتر و دقیق‌تر به کار می‌رود. گاهی برای توصیف بهتر و زیباتر، چیزی را شبیه چیزی دیگر می‌دانیم. به این کار تشبیه می‌گوییم؛ مثلاً به جای این که خیلی مستقیم بگوییم: «دندان‌های او خیلی سپید است»، می‌توانیم بگوییم: «دندان‌های او مثل یک ردیف مروارید سپید می‌درخشید». این‌جا دندان‌ها را از نظر سپیدی به مروارید تشبیه کرده‌ایم. تشبیه، ارکان یا اجزای مختلفی دارد؛ مثلاً در جمله «پره‌های طاووس، مانند دسته گل پر نقش و نگار، رنگارنگ است»، ارکان تشبیه عبارت‌اند از: رکن اول (مشبه): چیزی که به چیز دیگری تشبیه می‌شود؛ این‌جا «پره‌های طاووس» مشبه است.

رکن دوم (مشبه‌به): چیزی که مشبه به آن تشبیه شده است؛ این‌جا «دسته گل پر نقش و نگار» مشبه‌به است که «پره‌های طاووس» به آن تشبیه شده است. رکن سوم (وجه‌شبه): شباهت بین مشبه و مشبه‌به، این‌جا بین طاووس و دسته‌گل پرنقش و نگار شباهت «زیبایی و رنگارنگی» هست.

رکن چهارم (ادات تشبیه): کلمه‌ای که با آن مشبه و مشبه‌به به هم وصل می‌شوند؛ این‌جا «مانند» ادات تشبیه است.

● در تشبیه وجود رکن سوم و چهارم اجباری نیست، اما رکن اول و دوم حتماً باید باشند.

مثال آبشار طلایی موهایش روی شانه‌اش ریخته بود.
 مشابه: موها
 مشابه: آبشار طلایی (وجه‌شبه و ادات تشبیه ذکر نشده است).
مثال‌های دیگر:

- **ملخ، دو پای داس مانند دارد که با آن‌ها اشیا را برمی‌دارد.**
 مشابه: پای ملخ
 مشابه به: داس
 ادات تشبیه: مانند
 وجه شبه: برداشتن اشیا
- **مهربان و ساده و بی‌کینه است / مثل نوری در دل آینه است**
 مشابه: (او) (نهاد شعر حذف شده، در واقع این گونه بوده است: (او) مهربان و ساده و بی‌کینه است...)
 مشابه به: نور در دل آینه
 ادات تشبیه: مثل
 وجه شبه: روشنایی، زلالی و شفافیت

فاصله میان واژه‌های

به فاصله معین بین واژه‌ها و حروف فاصله میان‌واژه‌ای می‌گویند که رعایت نکردن آن باعث ابهام و اشکال در خواندن می‌شود؛ مثلاً:
 «او هر روز نامه‌ای می‌خواند.» یا «او هر روز نامه‌ای می‌خواند.»

تاریخ ادبیات

نهج البلاغه: گزیده‌ای از نامه‌ها و خطبه‌های امام علی علیه السلام که عالم شیعی، سید رضی آن را گرد آورده است.

قائنی شیرازی: میرزا حبیب‌الله شیرازی متخلص به «قائنی»، از شاعران دوره قاجار است. هنر او در قصیده‌سرایی و انتخاب واژگان خوش‌آهنگ و توصیف‌های نیکو است. وی کتاب «پریشان» را به شیوه گلستان سعدی نوشت.



ارمغان ایران

شاید معنی این واژه‌ها را ندانی

- | | |
|---|--|
| درازا: طول، درازا | کانون: مرکز |
| لیک: لیکن، اما | روشن‌رایان: روشن‌فکران |
| سپند: پاک، مقدس | گرد: پهلوان، نیرومند |
| فرّ: زیبایی، شکوه | یل: شجاع، دلاور |
| فروغ: روشنایی | پُردل: شجاع |
| فرزانیگی: دانایی، خردمندی، حکمت | همگنان: همه، همگان |
| برمی‌کشد: بالا می‌برد، ارزشمند می‌کند | بن جان: ریشه جان، صمیم قلب |
| فره‌یختگی: بافرهنگ بودن | تبار: اصل، نژاد |
| داد: عدل، عدالت | نژاده: اصل، نجیب، دارای اصل و نسب خوب |
| تیره‌رای: بداندیش | خویش‌شناس: خودشناس |
| خیره‌روی: سرکش، گستاخ | نستوه: خستگی‌ناپذیر |
| بدین‌سان: به این گونه، به این شکل | بسند: کافی، بس |
| ارمغان: سوغات، ره‌آورد | گران: سنگین |
| خامه: قلم | ستبر: قوی، درشت |
| پیراسته: پاکیزه، آراسته | سُتوار: مخفف استوار، پایدار، ثابت |
| آلایش: آلودگی | تکاپوی: تکاپو، تلاش |
| پلشتی: آلودگی، ناپاکی | دریغ‌ورزیدن: کوتاهی کردن، مضایقه کردن، خودداری |
| ددی: وحشی‌گری | زدودن: پاک کردن |
| خاستگاه: مبدأ، محل پیدایش | هان: آگاه باش |
| بخردان: دانایان، عاقلان؛ بخرد: عاقل، دانا | |

- بیشه: جنگل کوچک
 بیوی: بیما، حرکت کن، برو
 گزند: آسیب
 لختی: لحظه‌ای
 خز: نوعی جانور شبیه سمور که از پوست آن لباس تهیه می‌کردند؛ (خزفروشان: بازار پوستین‌فروشان)
 خیزید: برخیزید، بلند شوید
 رادان: جوانمردان (راد: جوانمرد)
 زورآزمایان: حریفان
 ظفرمند: پیروز، فاتح
 دیر: زمان طولانی، دوران زیاد
 خرد: اندیشه
 ارمغان: هدیه، سوغات
 مردی: در این جا مردانه، جوانمردانه
 هر آینه: به یقین، بی‌گمان
 والا: بزرگ، برتر

معنی و مفهوم

ارمغان ایران

کشور ما همواره سرزمین سپند فرّ و فروغ و فرزانیگی و فره‌یختگی بوده است. کشور ما همیشه سرزمین پاک زیبایی، روشنایی، دانایی و خردمندی بوده است. تویی که در این روزگار، چشم و چراغ ایرانی و بهار آفرین باغ ایران؛ تویی که دست هنر از آستین فرهنگ و ادب برخواهی آورد.
 تو در این روزگار مایه امید و آینده روشن ایران هستی و در زمینه فرهنگ و ادب، هنرنمایی خواهی کرد و موفق خواهی شد.

گفت‌وگو

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم، وزان است
 برخیزید و لباس گرم از جنس خز بیاورید که پاییز شده است و باد سرد و خنک، از سوی سرزمین خوارزم می‌وزد.

واژه‌هایی که ارزش املائی دارند

- درازا - سپند - فروغ - فره‌یختگی - تیره‌رای - خیره‌روی - ارمغان - پلشتی - کاستی - خاستگاه - بخردان - همگنان - تبار - نژاده - تابناک - می‌تید - نستوه - بسنده - سزاوار - خُرد - ستبر - ستوار - دریغ‌ورزیدن - زدود - خوار - آلایش - بَرهان - سپاس بگزار - گزند - خوارزم - خز - کوزه‌گری - مرغوب - لعاب

خودارزیایی

- ۱- برترین و گرمی‌ترین ارمغان «ایران» به دیگر سرزمین‌ها چیست؟ اندیشه و خرد و فرهنگ.
- ۲- دو تن از دلبران و پهلوانان نامدار ایرانی را نام ببرید که برای سربلندی ایران کوشیده‌اند.
 در افسانه‌ها: آرش کمانگیر، رستم داستان
 در تاریخ: آریوبرزن، امیرکبیر، دکتر محمد مصدق و شهیدانی همچون محمد جهان‌آرا، مهدی باکری و...
- ۳- به نظر شما چگونه می‌توان از فرهنگ و ادب فارسی پاسداری کرد؟
 با مطالعه و شناخت فرهنگ و ادب پارسی، تلاش برای پایبندی به ارزش‌ها و استفاده درست از آن‌ها و آموزش صحیح ارزش‌های فرهنگی و ادبی به نسل‌های آینده.

دانش‌های ادبی و زبانی

واج‌آرایی (نغمه حروف)

پیش از این یاد گرفتید «تکرار» یکی از آرایه‌هایی است که باعث ایجاد موسیقی کلام می‌شود و آن را زیباتر می‌کند. گاهی شاعر یا نویسنده به جای تکرار کلمه، از تکرار «واج» (یعنی حرف مصوّت یا صامت) استفاده می‌کند. این کار کلام را دلنشین‌تر می‌کند و باعث گیرایی و رسایی سخن می‌شود.